

مقایسه قصه حضرت اسماعیل • در قرآن و تورات

وحیده پهلوانزاده

(دانش‌آموخته دوره عالی علوم و معارف قرآن و عضو حلقه علمی قرآن دفتر تبلیغات اسلامی خراسان رضوی)

چکیده

در داستان ذبیح فرزند حضرت ابراهیم •، اصل داستان و قضیه امتحان بودن ذبیح، و نیز فدیة قرار دادن پروردگار به جای ذبیح در هر دو کتاب مقدس قرآن و تورات وجود دارد. اما در اینکه ذبیح چه کسی است، تورات اسحاق را ذبیح می‌داند؛ ولی قرآن مستقیماً اسم ذبیح را بیان نکرده است؛ هرچند با بیان دلایلی می‌توان ذبیح بودن اسماعیل • را اثبات کرد. در مورد فضایل حضرت نیز هر دو کتاب به فضایل جداگانه‌ای اشاره کرده‌اند و تورات در مواردی به توهین نیز اشاره دارد. همچنین از موارد اشتراک دو متن باید به تولد اسماعیل در هنگام پیری حضرت ابراهیم •، مهاجرت اسماعیل و هاجر به مکه اشاره کرد؛ اما در مورد تجدید بنای کعبه توسط اسماعیل • فقط قرآن است که به آن اشاره کرده و تورات اصلاً بدان نپرداخته است. **کلیدواژگان:** ذبیح اسماعیل •، ذبیح اسحاق •، حضرت ابراهیم •، قرآن کریم، تورات، امتحان الهی.

مقدمه

شخصیت حضرت اسماعیل • در قرآن و کتاب مقدس عبری به روشنی توصیف شده است و هر یک از این دو کتاب مقدس، به نحوی درباره جایگاه ایشان توضیحاتی داده‌اند. با مطالعه و تطبیق داستان آن حضرت، ما به موارد اتفاق و اختلاف زیادی برمی‌خوریم. در این زمینه، کتاب‌ها و مقالاتی نوشته شده است؛ اما بیشتر این آثار، در مورد جریان جنجال‌برانگیز داستان «ذبح» است و به جوانب دیگر زندگی حضرت کمتر توجه شده است. در این نوشتار، از مقاله «بررسی و مقایسه قصه اسماعیل در قرآن و تورات»، نوشته محمد مهدی فیروز مهر^۱ نیز استفاده شد؛ اما تلاش کردیم کاستی‌ها و نقایص این مقاله را رفع و تحلیل بهتری از داستان ارایه کنیم.

۱. مفهوم‌شناسی

اسماعیل واژه‌ای اعجمی و در عربی به معنای «مطیع خدا» است.^۲ اسماعیل، معرب «اشمائل» در سریانی است و از همین‌راه به عربی وارد شده، اصل آن واژه عبری «یشمع» (به معنای یسمع) و بیل (به معنای الله) بوده و براساس لغت مصریان «اسم این» خوانده شده است،^۳ و در کتاب مقدس به معنای «مسموع از خدا» است.^۴ علت این نامگذاری را این‌گونه بیان کرده‌اند: ابراهیم • هنگام درخواست فرزند از خدا دو کلمه اسمع و یل، به معنای «خدا قول او را شنید و اطاعت کرد» را به کار برد و هنگامی که خداوند دعای او را اجابت نمود و فرزندش روزیش ساخت، او را به همان جمله نامید.^۵

اما تورات، علت این نامگذاری را الهام فرشته‌ای به هاجر بیان نموده است، که فرشته‌ای به هاجر گفت: «به‌زودی دارای پسر می‌شوی، نام او را اسماعیل بگذار، خداوند دعای تو را شنید.»^۶

قرآن در ۱۲ مورد، مطالبی را در مورد حضرت اسماعیل • بیان می‌کند، که به جز دو

۱. محمد مهدی فیروز مهر، «بررسی و مقایسه قصه اسماعیل • در قرآن و تورات»، میقات حج، پاییز ۱۳۷۹ ش، ش ۳۳.

۲. قسم القرآن بجمع البحوث الاسلامیه، المعجم فی فقه غة القرآن و سر بلاغته، ج ۲، ص ۳۳۷.

۳. مرکز فرهنگ و معارف قرآن، دایرةالمعارف قرآن کریم، ج ۳، ص ۵۵۸.

۴. مستر هاکس، قاموس کتاب مقدس، ذیل واژه اسماعیل.

۵. قسم القرآن بجمع البحوث الاسلامیه، المعجم فی فقه غة القرآن و سر بلاغته، ج ۲، ص ۳۳۷.

۶. پیدایش، ۱۶: ۱۱.

مورد، بقیه به اتفاق تمام علما و مفسران در مورد حضرت اسماعیل بن ابراهیم * است. یکی از موارد اختلافی، آیات سوره صافات (۱۰۱-۱۰۷) است که در بردارنده داستان ذبح فرزند حضرت ابراهیم * است.^۱ به نظر بیشتر مفسران، این آیات در مورد حضرت اسماعیل * است؛ اما عده‌ای عقیده دارند که در مورد حضرت اسحاق است، که توضیح بیشتر آن در ادامه خواهد آمد.

مورد دیگر اختلاف بین مفسران، آیه ۵۴ سوره مریم است. به نظر بیشتر مفسران،^۲ اسماعیل صادق الوعد در آیات ۵۴-۵۵ مریم، مانند سایر موارد همان اسماعیل بن ابراهیم * است:

«و اذْکُرْ فِی الْکِتَابِ اِسْمَعِیْلَ اِنَّهٗ کَانَ صَادِقَ الْوَعْدِ وَ کَانَ رَسُوْلًا نَّبِیًّا * وَ کَانَ یَاْمُرُ اَهْلَهٗ بِالصَّلٰوةِ وَ الزَّکٰوةِ وَ کَانَ عِنْدَ رَبِّهٖ مَرْضِیًّا»؛ «در کتاب آسمانی خود از اسماعیل یاد کن که او در وعده‌هایش صادق و رسول و پیامبر بزرگی بود* او همواره خانواده خود را به نماز و زکات دعوت می‌کرد و همواره مورد رضایت پروردگارش بود.»

اما برخی دیگر از مفسران،^۳ این آیه را در مورد اسماعیل بن حزقیل می‌دانند. مثلاً دلیل علامه طباطبایی برای تفسیر آیه به اسماعیل بن حزقیل این است که اگر منظور از این آیه، اسماعیل بن ابراهیم بود، باید نام او را بعد از نام ابراهیم و قبل از داستان موسی ذکر می‌کرد نه بعد از داستان او.

آیاتی از قرآن که به اتفاق مفسران در مورد حضرت اسماعیل * است، شامل مطالبی درباره تولد، اسکان ایشان در مکه، تجدید بنای کعبه توسط وی و پدرش است. تورات نیز مطالبی را در مورد زندگی حضرت اسماعیل * مانند تولد، اخراج، نام فرزندان و سن او به هنگام مرگ و... بیان نموده است که در میان مباحث به برخی از آنها اشاره خواهد شد.

۲. تولد اسماعیل *

۱. سوره‌هایی که از حضرت اسماعیل مطالبی را یاد می‌کنند؛ عبارتند از: بقره/۱۲۷، آل عمران/۸۴، نساء/۱۶۳، انعام/۸۶، ابراهیم/۳۷، مریم/۵۴، انبیاء/۸۵-۸۶، صافات/۱-۱۰۷ و ص/۴۸ و موارد دیگر.
۲. ابوجعفر محمد بن جریر طبری، جامع البیان، ج ۹، ص ۱۲۰، فضل بن حسن طبری، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۶، ص ۸۰۰، جلال الدین سیوطی، الدر المنثور فی تفسیر المأثور، ج ۴، ص ۲۷۳، اسماعیل بن عمرو بن کثیر دمشقی، تفسیر القرآن العظیم، ج ۵، ص ۲۱۱، محمد صادق تهرانی، الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن، ج ۱۸، ص ۳۴۲، ناصر مکارم شیرازی و همکاران، تفسیر نمونه، ج ۱۳، ص ۹۴.
۳. سید محمد تقی مدرسی، تفسیر من هدی القرآن، ج ۷، ص ۶۶، محمد حسین طباطبایی، تفسیر المیزان، ج ۱۴، ص ۶۳.

قرآن و تورات در این جهت اتفاق نظر دارند که ابراهیم در پیری صاحب فرزند شد. قرآن بدون اینک مقدار سن ایشان را ذکر کند از قول آن حضرت می‌گوید: «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي وَهَبَ لِي عَلَى الْكِبَرِ إِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ إِنَّ رَبِّي لَسَمِيعُ الدُّعَاءِ»^۱ «حمد خدای را که در پیری، اسماعیل و اسحاق را به من بخشید.» در تورات نیز می‌خوانیم: «... و ابراهیم هشتادوشش ساله بود چون هاجر اسماعیل را برای ابرام بزاد.» بنابراین، تورات فقط به سن حضرت در هنگام تولد اولین فرزندش اشاره کرده است و گفته که اسماعیل در سن ۸۶ سالگی حضرت ابراهیم • از هاجر متولد شده است.^۲

همچنین قرآن و تورات نیز در اینکه اسماعیل • اولین فرزند حضرت ابراهیم • است اختلافی ندارند. آیه ۳۹ سوره ابراهیم که قبلاً اشاره شد مؤید این مطلب است و مفسران ذیل آیه به این مطلب اشاره کرده‌اند.^۳

همچنین به صورت فشرده در قرآن موارد زیر آمده است:

بشارت به تولد اسحاق: «و بَشَّرْنَاهُ بِإِسْحَاقَ نَبِيًّا مِّنَ الصَّالِحِينَ»^۴ «و مژده فرزندش اسحاق را که پیغمبری از شایستگان است به او دادیم» بعد از بشارت به تولد اسماعیل «فَبَشَّرْنَاهُ بِغُلَامٍ حَلِيمٍ»^۵ «پس مژده پسر بردباری به او دادیم» و فرمان ذبح: «فَلَمَّا بَلَغَ مَعَهُ السَّعْيَ قَالَ يَبْنَؤُا إِنِّي أَرَى فِي الْمَنَامِ أَنِّي أَذْبَحُكَ فَانظُرْ مَاذَا تَرَى قَالَ يَا بَتِ افْعَلْ مَا تُؤْمَرُ سَتَجِدُنِي إِن شَاءَ اللَّهُ مِنَ الصَّابِرِينَ»^۶ «آنگاه که (آن پسر رشد یافت و) با او به سعی و عمل شتافت، ابراهیم گفت: ی فرزند عزیزم، من در عالم خواب چنین می‌بینم که تو را (در راه خدا) قربانی می‌کنم، در این واقعه تو را چه نظری است؟ جواب داد: ی پدر، هر چه مأموری انجام ده که انشاءالله مرا از بندگان با صبر و شکیبا خواهی یافت.» این خود دلیل دیگری بر نظر قرآن در مورد اولین فرزند است.^۷

تورات نیز در دو باب به تولد اسحاق بعد از تولد اسماعیل اشاره کرده است. اولین مورد، همزمان با صدور فرمان ختنه به ابراهیم است که در این فصل بیان شده در پی آن فرمان، تمام ذکور از قبیله او فرمان را اجرا کردند. سپس بیان شده که سن حضرت

۱. ابراهیم/۳۹.

۲. پیدایش ۱۶:۱۶.

۳. ابوعلی فضل بن حسن الطبرسی، مجمع‌البیان فی تفسیرالقرآن، ج ۶، ص ۴۹۱.

۴. صافات/۱۱۲.

۵. صافات/۱۰۱.

۶. صافات/۱۰۲.

۷. سید محمدحسین طباطبایی، تفسیر المیزان، ج ۱۷، ص ۱۵۳.

ابراهیم در این زمان، ۹۹ سال و اسماعیل ۱۳ سال بوده است. در این فصل، بشارت تولد اسحاق آمده که چون این بشارت با فرمان ختنه همزمان است می‌توان فهمید بشارت به تولد اسحاق در سن ۱۳ سالگی حضرت اسماعیل • است و این مسئله، اولین فرزندبودن حضرت را مشخص می‌کند.^۱

در آیه دیگری از تورات که به تولد اسحاق بعد از اسماعیل اشاره دارد، می‌خوانیم: «و ابراهیم در هنگام ولادت پسرش، اسحاق، صدساله بود.»^۲ با توجه به سن حضرت ابراهیم در هنگام ولادت اسماعیل که ۸۶ ساله بیان شده، اسماعیل پسر اول ایشان بوده است.

تورات، در داستان اسماعیل اشاره نموده که چون سارا دید ابراهیم از او بچه‌دار نمی‌شود، به ایشان پیشنهاد کرد با کنیز او هاجر، ازدواج کند، حضرت ابراهیم • نیز پیشنهاد او را قبول نمود و پس از آنکه هاجر حامله شد و پسری به دنیا آورد، او را اسماعیل نامیدند، و در این هنگام حضرت ابراهیم ۸۶ ساله بود.^۳

۳. اسکان اسماعیل • و هاجر در مکه

داستان اسکان اسماعیل و هاجر در مکه، فقط در آیه ۳۷ سوره ابراهیم آمده است و به جزئیات آن اشاره‌ای نشده است؛ اما تفاسیر در مورد جزئیات آن مطالبی را آورده‌اند. قرآن در این آیه از قول حضرت ابراهیم • نقل می‌کند که آن حضرت پس از اسکان اسماعیل و هاجر در مکه فرمود:

«رَبَّنَا إِنِّي أَسْكَنْتُ مِنْ دَرِّيَعِي بَوَادٍ غَيْرِ ذِي زَرْعٍ عِنْدَ بَيْتِكَ الْمُحَرَّمِ رَبَّنَا لِيُقِيمُوا الصَّلَاةَ فَاجْعَلْ أَفْئِدَةً مِنَ النَّاسِ تَهْوِي إِلَيْهِمْ وَارْزُقْهُمْ مِنَ الثَّمَرَاتِ لَعَلَّهُمْ يَشْكُرُونَ»؛ «پروردگارا! من بعضی از فرزندانم را در دره‌ای بی کشت و زرع نزد خانه محترمت سکونت دادم. پروردگارا! برای اینک نماز را برپا دارند پس دل‌های گروهی از مردم را به سوی آنان علاقمند و متمایل کن و آنان را از انواع محصولات و میوه‌ها روزی بخش، باشد که سپاس‌گزاری کنند.»

طبرسی در مجمع‌البیان این داستان را این‌گونه نقل می‌کند:

«علی بن ابراهیم بن هاشم از پدر خود و او از نضر بن سوید از هشام از امام صادق • روایت کرده است که برای ابراهیم • هنگامی که در صحرائی از سرزمین‌های شام اقامت

۱. پیدایش، ۱۷: ۱۶-۲۵.

۲. پیدایش، ۲۱: ۵.

۳. رک: پیدایش، ۱۶: ۱-۱۶.

داشت فرزندی از هاجر متولد گردید که اسماعیل نام یافت. ساره همسر دیگر حضرت چون دارای فرزندی نبود از این موضوع به شدت ناراحت گردید. پروردگار حضرت را امر کرد که اسماعیل را با مادرش از این سرزمین به محل امن و نخستین نقطه‌ای از زمین که آفریده‌ام {یعنی مکه} ببر و حضرت به راهنمایی جبرئیل این دستور را اجرا کرد...^۱ تورات نیز به جریان مهاجرت اسماعیل و هاجر اشاره کرده و در آنجا آمده است که بعد از تولد اسحاق •، حضرت ابراهیم • بنابر درخواست ساره و شکایت او از هاجر و فرزندش، از سوی خداوند مأمور شد که هاجر و اسماعیل را از محل سکونت خود به جای دیگری منتقل کند:

«آنگاه ساره پسر هاجر را که از ابراهیم زاییده بود، دید که خنده می‌کند پس به ابراهیم گفت: این کنیز را با پسرش بیرون کن؛ زیرا که پسر کنیز با پسر من اسحاق وارث نخواهد بود. اما این امر به نظر ابراهیم دربارهٔ پسرش بسیار سخت آمد. خدا به ابراهیم گفت درباره پسر خود و کنیزت به نظرت سخت نیاید بلکه هر آنچه ساره به تو گفته است سخن او را بشنو؛ زیرا ذریت تو از اسحاق خوانده خواهد شد... بامدادان ابراهیم برخاسته، نان و مشکی از آب گرفته به هاجر داد و... او را با پسر روانه کرد. پس رفت و در بیابان می‌گشت و چون آب مشک تمام شد، پسر را زیر بوته گذاشت و به مسافت تیر پرتابی رفته در مقابل وی بنشست؛ زیرا گفت مدتی پسر را نبینم و در مقابل او نشسته آواز خود را بلند کرد و بگریست و خداوند آواز پسر را بشنید و فرشتهٔ خدا از آسمان هاجر را ندا کرده وی را گفت: ای هاجر... ترسان مباش!... و خداوند چشمان او را باز کرد تا چاه آبی دید... و خدا با آن پسر می‌بود و او را نمو کرده ساکن صحرا شد... و در صحرای «فاران» ساکن شد و مادرش زنی از زمین حصر برایش گرفت.»^۲

همان‌طور که مشاهده می‌شود، قرآن و تورات در سن اسماعیل در هنگام خروج با هم اختلاف دارند با توجه به تفاسیر، حضرت اسماعیل در هنگام مهاجرت با مادرش در سن کودکی بسر می‌برده است و قبل از تولد حضرت اسحاق به مکه کوچ کرد؛ اما در تورات بعد از تولد اسحاق که اسماعیل بیش از ۱۴ سال داشته، تاریخ این مهاجرت بیان شده است. این مسئله (کودکی اسماعیل) از خود تورات در سفر پیدایش باب ۱۶ استفاده می‌شود که

۱. ابوعلی فضل بن حسن طبرسی، مجمع‌البیان فی تفسیرالقرآن، ج ۱، ص ۳۹۲. علامه طباطبایی نیز ماجرای اسکان هاجر و اسماعیل در مکه را ذکر کرده و روایاتی در این خصوص آورده است. رک: المیزان، ج ۱، ص ۲۸۶.
۲. پیدایش، ۲۱: ۲۱-۹.

اسماعیل در هنگام مهاجرت با مادر، کودکی بیش نبوده است.^۱

۴. اسماعیل • و بنای کعبه

از افتخارات حضرت اسماعیل و پدر بزرگوارش، تجدید بنای کعبه است و این امر مهم از لحاظ تاریخی قابل انکار نیست. داستان این بخش از زندگی حضرت، در چند سوره از قرآن، به صورت گسترده‌ای مطرح شده است. اما در تورات موجود اصلاً به این امر مهم اشاره نشده است! شاید یکی از دلایل عدم طرح مسئله، نژادپرستی نویسندگان تورات کنونی باشد؛ زیرا آنها برخی از حقایقی را که برای حضرت فضیلت محسوب می‌شود یا بیان نکرده‌اند یا انکار نموده و به نحوی تحریف کرده‌اند و در عوض مطالبی غیرواقعی را که به شخصیت حضرت توهین می‌شود، بیان نموده‌اند.^۲

قرآن که کتابی آسمانی و دور از تحریف است، داستان تجدید بنای کعبه توسط ابراهیم و اسماعیل را در سوره‌های آل عمران (۹۶-۹۷) آورده است:

«إِنَّ أَوَّلَ بَيْتٍ وُضِعَ لِلنَّاسِ لَلَّذِي بِبَكَّةَ مُبَارَكًا وَهُدًى لِّلْعَالَمِينَ* فِيهِ آيَاتٌ بَيِّنَاتٌ مَّقَامَ اِبْرَاهِيمَ وَ مَن دَخَلَهُ كَانَ ءَامِنًا وَ لِلّٰهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ مَن اِسْتَطَاعَ اِلَيْهِ سَبِيْلًا وَ مَن كَفَرَ فَاِنَّ اللّٰهَ غَنِيٌّ عَنِ الْعَالَمِينَ*» «نخستین خانه‌ای که برای مردم (و نیایش خداوند) قرار داده شد در سرزمین مکه است که پر برکت و مایه هدایت جهانیان است* در آن نشانه‌ای روشن، از جمله مقام ابراهیم است و هر کس داخل آن (خانه خدا) شود در امان خواهد بود؛ و برای خدا بر مرم است که آهنگ خانه (او) کنند، آنها که توانایی رفتن به سوی آن دارند، و هر کس کفر بورزد (و حج را ترک کند به خود زیان رسانده)، خداوند از همه جهانیان بی‌نیاز است.»

در سوره حج، آیات ۲۶ و ۲۷ نیز می‌خوانیم:

«وَ اِذْ بَوَّأْنَا اِبْرَاهِيْمَ مَكَانَ الْبَيْتِ اَنْ لَا تُشْرِكَ بِيْ شَيْئًا وَ طَهَّرَ بَيْتِيْ لِلطَّائِفِيْنَ وَ الْقَائِمِيْنَ وَ الرُّكَّعِ السُّجُوْدِ* وَ اَذِّنْ فِي النَّاسِ بِالْحَجِّ يَأْتُوكَ رِجَالًا وَ عَلٰى كُلِّ ضَامِرٍ يَأْتِيْنَ مِنْ كُلِّ فَجٍّ عَمِيْقٍ*» «و یادآور ای رسول که ما ابراهیم را در آن بیت الحرام تمکین دادیم تا با من هیچکس را شریک نگیرد و به او وحی کردیم که خانه مرا برای طواف حاجیان و نمازگزاران و رکوع و سجودکنندگان (از لوٹ بتان و بت پرستان) پاک و پاکیزه دار* (و ای

۱. در ترجمه‌های عربی کتاب مقدس به جای واژه «پسر» واژه «صبی» به چشم می‌خورد. در منابع اسلامی هم آمده که اسماعیل در همان اوان طفولیت در مکه اسکان داده شد. محمدمهدی فیروزمهر، «بررسی و مقایسه قصه اسماعیل • در قرآن و تورات»، میقات حج، ش ۳۳.

۲. از جمله مواردی که تورات در مورد حضرت اسماعیل ذکر کرده است و توهین به آن حضرت محسوب می‌شود، این است که آن حضرت را مردی وحشی و مطرود پدر و همگام معرفی کرده‌اند. رک: پیدایش، ۱۲: ۱۶.

رسول ما) مردم را به ادای مناسک حج اعلام کن تا خلق پیاده و سواره و از هر راه دور به سوی تو جمع آیند.»

اما قرآن در آیات ۱۲۵-۱۲۹ سوره بقره با تفصیل بیشتری به این داستان می‌پردازد: «وَإِذْ جَعَلْنَا الْبَيْتَ مَثَابَةً لِّلنَّاسِ وَأَمْنًا وَاتَّخِذُوا مِن مَّقَامِ إِبْرَاهِيمَ مُصَلًّى وَوَعَدْنَا إِبْرَاهِيمَ وَأِسْمَاعِيلَ أَن طَهِّرَا بَيْتِيَ لِلطَّائِفِينَ وَالْقَائِمِينَ وَالرُّكَّعِ السُّجُودِ * ... إِنَّكَ أَنْتَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ»؛ «به یاد آر هنگامی که ما خانه کعبه را مقام امن و مرجع امر دین خلق مقرر داشتیم و دستور داده شد که مقام ابراهیم را جایگاه پرستش خدا قرار دهید و از ابراهیم و فرزندش اسماعیل پیمان گرفتیم که حرم خدا را از بت پیردازید و از هر پلیدی پاکیزه دارید برای اینک اهل ایمان به طواف و اعتکاف حرم بیایند و در آن طاعت و نماز خدا به جای آرند... تویی که در همه عالم هرکاری خواهی بر آن قدرت و علم کامل داری.»

در مورد حضرت اسماعیل و بنای کعبه، بین مفسران دو رأی و نظر وجود دارد. برخی از مفسران به تأسیس بنای کعبه توسط حضرت ابراهیم و اسماعیل • معتقدند؛^۱ اما بیشتر ایشان، آنها را فقط مأمور تجدید بنای کعبه معرفی کرده‌اند و گفته‌اند که ساخت اولیه آن توسط حضرت آدم • صورت گرفته و حضرت اسماعیل و ابراهیم • تنها مأمور به تجدید بنای کعبه شده بودند. مفسران، این مطلب را با توجه به روایاتی از ائمه اطهار • و علمای شیعه اثبات نموده‌اند.^۲

در تفسیر جامع‌البیان آمده است، خداوند به ابراهیم دستور داد که کعبه را به کمک اسماعیل بنا کند. ابتدا محدوده خانه خدا توسط جبرئیل مشخص شد: «وَإِذْ بَوَّأْنَا لِإِبْرَاهِيمَ مَكَانَ الْبَيْتِ أَنْ لَا تُشْرِكْ بِي شَيْئًا وَطَهِّرْ بَيْتِيَ لِلطَّائِفِينَ وَالْقَائِمِينَ وَالرُّكَّعِ السُّجُودِ»؛^۳ «(و) یادآور ای رسول که ما ابراهیم را در آن بیت الحرام تمکین دادیم تا با من هیچکس را شریک نگیرد و به او وحی کردیم که خانه مرا برای طواف حاجیان و نمازگزاران و رکوع و سجودکنندگان (از لوث بتان و بت پرستان) پاک و پاکیزه دار.»

ابراهیم و اسماعیل بعد از مشخص شدن محدوده خانه خدا به ساختن آن مشغول شدند. اسماعیل سنگ می‌آورد و ابراهیم بنا را می‌ساخت و در هنگام ساختن خانه خدا، از

۱. مرحوم طبرسی در ذیل آیه ۱۲۹/بقره، مطالبی را در مورد این موضوع بیان کرده است و از سخنان وی استنباط می‌شود، اعتقاد به تأسیس بنای کعبه توسط حضرت ابراهیم و اسماعیل • داشته‌اند. رک: ابوجعفر محمدبن جریر طبری، تفسیر طبری، ج ۱، ص ۱۰۷.

۲. رک: ابوعلی فضل بن حسن طبرسی، مجمع‌البیان فی تفسیر القرآن، ج ۱، ص ۳۸۹ و ابن کثیر، تفسیر القرآن العظیم، ج ۱، ص ۳۰۲، محمود زمخشری، الکشاف عن حقائق غوامض، ج ۱، ص ۱۸۸، ذیل آیه ۱۲۹/بقره.

۳. حج/۲۶.

پروردگار درخواست کرد که عمل آنها را بپذیرد و آنان را تسلیم خود سازد و از نسل آنها امتی فرمان‌بردار خدا قرار دهد و از میان آنها پیامبری برگزیند.^۱ مقصود از پیامبری از نسل ابراهیم در آیه، پیامبر خاتم • است و بر همین اساس، به نقلی رسول اکرم •، خود را اجابت دعای پدرش ابراهیم می‌دانست.^۲

۵. ذبیح اسماعیل •

قرآن و تورات موجود، هردو اتفاق نظر دارند بر اینکه حضرت ابراهیم بعد از اینکه در سنّ پیری صاحب فرزند شد، مورد امتحان الهی قرار گرفت، و همچنین هردو باهم متفق‌اند که این امر فقط یک امتحان بوده است و با جایگزینی فدیه، این فرزند ذبیح نشده است.^۳

اما هر دو متن در اینکه ذبیح، کدام فرزند ابراهیم بوده است، بین این دو کتاب مقدس اختلاف است. قرآن، ذبیح را مشخص نکرده و فقط داستان ذبیح را در یک سوره بیان می‌کند؛^۴ ولی تورات بیان نموده که ذبیح، اسحاق است.^۵

بین علمای اسلام نیز در اینکه ذبیح چه کسی است، اختلاف نظر وجود دارد؛ هر چند بیشتر آنها ذبیح را همان اسماعیل می‌دانند.^۶ از سخنان افرادی مانند قرطبی و طبری استنباط می‌شود که ذبیح را اسحاق می‌دانند. این دو مفسر، دلایل هر دو گروه را که ذبیح را اسماعیل یا اسحاق می‌دانند، بیان نموده‌اند و قرطبی در آخر می‌گوید: *والله اعلم، و طبری قاطعانه نظر خود را بیان نمی‌کند.*^۷ اما ابن کثیر با صراحت، ذبیح را اسحاق معرفی می‌کند.^۸

۱. بقره/۱۲۷-۱۲۹.

۲. رک: ابوجعفر محمد بن جریر طبری، جامع البیان، ج ۱، ص ۷۶۵؛ تفسیر مجمع البیان، ج ۱، ص ۳۸۹؛ طبری نیز در تفسیر آیه (۱۲۹/بقره) پیامبر اکرم • را اجابت دعای ابراهیم معرفی نموده است. ترجمه تفسیر طبری، ج ۱، ص ۱۰۷.

۳. صافات/۱۰۶-۱۰۷؛ و پیدایش ۱۳: ۱۲ و ۱۲. (ای ابراهیم ین کار را مکن و به صدق نیت تو پی بردیم که حضری فرزند یگانه خود را قربانی نمایی. ابراهیم پشت سر خود قوچی را دید و او را به جای پسرش قربانی نمود. علامه طباطبایی، فدیه فرزند را قوچ معرفی کرده‌اند. المیزان، ج ۱۷، ص ۱۵۳.

۴. صافات/۱۰۱-۱۰۷.

۵. پیدایش، ۲۲: ۱-۱۷.

۶. سید محمد حسین طباطبایی، تفسیر المیزان، ج ۱۷، ص ۱۵۱ و ابوعلی فضل بن حسن طبرسی، تفسیر مجمع البیان، ج ۸، ص ۷۰۶.

۷. رک: ترجمه تفسیر طبری، ج ۶، ص ۱۵۳۰-۱۵۳۹ و فتحی محمد الزغبی، نصة الذبیح، ص ۶۹-۷۱.

۸. رک: اسماعیل بن عمرو بن کثیر، تفسیر القرآن العظیم، ج ۷، ص ۳۱-۳۳.

بیشتر علمای اسلام، ادعای یهود را مبنی بر ذبیحه‌بودن اسحاق، به سبب حسادت نسبت به عرب و پیامبر اکرم • می‌دانند؛ زیرا اگر ذبیح حضرت اسماعیل • باشد افتخاری بس عظیم برای عرب محسوب می‌شود و یهود هم طبق عادت دیرینه، تمام افتخارات را برای خود می‌خواهد، هرچند لیاقت آن را نداشته باشد، پس بازور یا تحریف آن را از آن خود می‌کند.^۱

۶. دلایل ذبیح‌بودن اسماعیل (و ردّ ذبیح‌بودن اسحاق)

علما با تمسک به دلایلی ذبیح‌بودن اسحاق را رد کرده‌اند، این دلایل عبارتند از:

۱. بشارت به تولد اسحاق در آیه ۱۱۲ سوره صافات پس از بیان داستان ذبح آمده و این دلیلی بر ذبیح‌بودن اسماعیل دارد. خداوند قیل از داستان ذبح، به تولد اسماعیل و بودن ذکر نام او بشارت می‌دهد: «فَبَشِّرْهُ بِعَلِيمٍ حَلِيمٍ»^۲ «پس مژده پسر بردباری به او دادیم.» و بعد از آن داستان ذبح را در آیات ۱۰۲ تا ۱۰۷ صافات بیان می‌نماید: «فَلَمَّا بَلَغَ مَعَهُ السَّعْيَ قَالَ يَبْنَئِي أُنِّي أَرَى فِي الْمَنَامِ أَنِّي أَذْبَحُكَ فَانظُرْ مَاذَا تَرَى قَالَ يَاقَتِ افْعَلِ مَا تَأْمُرُ سَتَجِدُنِي إِنْ شَاءَ اللَّهُ مِنَ الصَّابِرِينَ...» «آنگاه که (آن پسر رشد یافت و) با او به سعی و عمل شتافت ابراهیم گفت: ای فرزند عزیزم، من در عالم خواب چنین می‌بینم که تو را (در راه خدا) قربانی می‌کنم، در این واقعه تو را چه نظری است؟ جواب داد: ای پدر، هرچه مأموری انجام ده که انشاءالله مرا از بندگان با صبر و شکیبا خواهی یافت...» سپس در آیه ۱۱۲، بشارت به تولد اسحاق می‌دهد: «و بَشِّرْهُ بِإِسْحَاقَ نَبِيًّا مِّنَ الصَّالِحِينَ» و باز مژده فرزندش اسحاق را که پیغمبری از شایستگان است به او دادیم. با توجه به اینکه بعد از داستان ذبح به تولد اسحاق بشارت داده شده نتیجه می‌گیریم که ذبیح نمی‌تواند اسحاق باشد و اگر گفته شود این بشارت برای نبوت است نه تولد - با توجه به اینکه نبوت تولد است - باید گفت: این سخن خلاف ظاهر است سیاق و ظاهر آیه، ذبیح را اسماعیل می‌داند.^۳

۲. خداوند پس از بشارت به تولد اسحاق، به آمدن یعقوب پس از اسحاق بشارت

۱. رک: ابوعلی فضل بن حسن طبرسی، مجمع‌البیان فی تفسیرالقرآن، ج ۸، ص ۷۰۶، حسن الباش، القرآن والتورات این بتفقان و این یفترقان؟ ج ۱، ص ۱۸۴؛ شایب، نصة الذبیح بین الروایات الکتابیه والانسلامیه، ص ۷۳. ۲. صافات/۱۰۷.

۳. رک: ابوعلی فضل بن حسن طبرسی، مجمع‌البیان فی تفسیرالقرآن، ج ۸، ص ۷۰۷؛ محمدحسین طباطبایی، المیزان، ج ۱۷، ص ۱۵۳.

می‌دهد. «وَ امْرَأَتُهُ قَائِمَةٌ فَضَحِكَتْ فَبَشَّرْنَاهَا بِاسْحَاقَ وَ مِنْ وَّرَاءِ اسْحَاقَ يَعْقُوبُ»^۱ «و زن ابراهیم ایستاده بود که متبسم گردید، پس ما آن زن را به فرزندی به نام اسحاق و سپس (فرزندش) یعقوب بشارت دادیم.» و بشارت به آمدن یعقوب پس از اسحاق نشان از زنده ماندن و صاحب نسل شدن اسحاق است و این با فرمان ذبح او در کودکی سازگار نیست.^۲

۳. فقط در سوره صافات به قصه ذبح اشاره شده است و بعد از آن به تولد اسحاق بشارت داده و در سوره های دیگر تنها از تولد اسحاق سخن می‌گوید و در هیچ کدام بشارت به تولد اسحاق، به فرمان ذبح اشاره نشده است؛ در نتیجه بشارت به تولد اسحاق بعد از فرمان ذبح تشکری از صبر ابراهیم بر فرمان خداوند و تسلیم او در برابر ذبح اسماعیل است.^۳

۴. اسماعیل با پدرش به مکه رفته نه اسحاق، پس ذبیح همان اسماعیل است با توجه به اینکه ذبح در سرزمین حجاز صورت گرفته است.^۴

۵. عدم ذکر نام اسماعیل در قرآن، خود دلیل دیگری بر ذبیح بودن آن حضرت است. اعراض قرآن از لجاجت دشمنان، دلیلی بر ذکر نکردن نام اسماعیل است. به عبارت دیگر، قرآن می‌خواسته ظاهراًش دلیلی برای مجادله اهل کتاب با مسلمانان و پیامبر • قرار نگیرد؛ زیرا اگر اسم اسماعیل در قرآن می‌آمد یهودیان، اسم اسحاق را که به عنوان ذبیح در کتاب‌هایشان آمده، مطرح می‌کردند و به مخالفت با قرآن و پیامبر • می‌پرداختند. و اگر ذبیح، اسحاق بود قرآن از ذکر آن اجتناب نمی‌کرد؛ زیرا دلیلی بر ذکر نکردنش وجود نداشت.^۵

۶. تناقض گویی در تورات، یکی دیگر از دلایل رد ذبیح دانستن اسحاق است. در تورات آمده:

«و واقع شد بعد از این وقایع که خدا ابراهیم را امتحان کرده، بدو گفت ای ابراهیم، عرض کرد: لبیک. گفت اکنون پسر خود را که «بگانه» دوست و او را دوست می‌داری؛ یعنی اسحاق را بردار و به زمین حوریا برو و او را در آنجا بر یکی از کوههایی که به تو نشان

۱. هود/۷۱.

۲. همان. و نایب‌المعارف قرآن کریم، ج ۲، ص ۲۸۴.

۳. فتوحی محمد الزغبی، نصة الذبیح عند اهل الكتاب والمسلمین، ص ۱۵۵-۱۵۶.

۴. رک: حسن الباش، القرآن والتورات این یتفقان و این یفترقان؟ ج ۱، ص ۱۸۴؛ در تورات نیز به این مطلب اشاره شده و گفته که اسماعیل و مادرش (هاجر) در صحرای فاران ساکن شدند. (صحرای فاران همان مکه است.)

۵. رک: عبدالحمید الفراهی، الرأی الصحیح فی من هو الذبیح، ص ۱۶.

می‌دهیم برای قربانی بگذران... چون بدان مکانی که خدا بدو (ابراهیم) فرموده بود، دیدند ابراهیم در آنجا را مذبح بنا نمود و هیزم را بر هم نهاد و پسر خود اسحاق را بسته بالای هیزم بر مذبح گذاشت و ابراهیم دست خود را دراز کرده کارد را گرفت تا پسر خویش را ذبح نماید. در حال فرشته خداوند از آسمان وی را ندا در داد و گفت: ای ابراهیم! ای ابراهیم! عرض کرد لبیک. گفت: دست خود بر پسر دراز مکن... زیرا که الآن دانستم که تو از خدا می‌ترسی؛ چون که (پسر یگانه) خود را از من دریغ نداشتی... بار دیگر فرشته خدا به ابراهیم از آسمان ندا داد و گفت: خداوند می‌گوید به ذات خود قسم می‌خورم چونکه این کار را کردی و (پسر یگانه) خود را دریغ نداشتی...»^۱

در متن بالا، سه بار واژه «پسر یگانه» تکرار شده است؛ در حالی که تورات، ولادت اسماعیل را در ۸۶ سالگی و ولادت اسحاق را در ۱۰۰ سالگی ابراهیم می‌داند؛ بنابراین، اسماعیل پیش از اسحاق، یگانه فرزند و هم اولین فرزند بوده نه اسحاق.^۲ دلایلی که علما نقل کرده‌اند بیشتر از موارد بیان شده است که به خاطر محدودیت بحث به همین مقدار اکتفا می‌کنیم. همچنین روایات در این مورد زیاد است که به نقل یک‌مورد بسنده می‌نماییم.

شخصی از امام صادق • از ذبیح پرسید که چه کسی بود؟ امام فرمودند: اسماعیل بوده، برای اینکه خدای تعالی داستان تولد اسحاق را در کتاب قرآن بعد از داستان ذبح نقل کرده و فرموده است: «و بَشَرْنَهُ بِإِسْحَاقَ نَبِيًّا مِنَ الصَّالِحِينَ»^۳ «و باز مژده فرزندش اسحاق را که پیغمبری از شایستگان است به او دادیم.»^۴

از دیگر موارد تناقض بین تورات و قرآن در داستان ذبح، این است که در قرآن بیان شده حضرت ابراهیم •، تمام ماجرای خواب و ذبح را با فرزندش در میان گذاشت و او هم این جریان را کاملاً قبول نمود و تسلیم فرمان حق شد و حتی پدر را در این ماجرا یاری کرد؛ اما در تورات اظهار می‌کند که ابراهیم تا لحظات آخر، اسحاق را از ماجرای ذبح مطلع نساخت؛ در حالی که او خواستار اطلاع از جریان بود.^۵

۱. پیدایش، ۲۲: ۱-۱۶.

۲. رک: حسن الباش، القرآن والتورات أين يتفقان و أين يفترقان؟ ج ۱، ص ۱۷۷ و ۱۷۹؛ عبدالنهن عبدالرحمن سلیمانی، منصرفه اهل کتاب فی تحریف اسم الذبیح فی اسماعیل الی الاسحاق، ص ۵۸.

۳. صافات/ ۱۱۲.

۴. شیخ صدوق، من لایحضر الفقیه، ج ۲، ص ۱۴۸، ح ۵.

۵. پیدایش، ۲۲: ۶-۱۰.

۷. فضایل اسماعیل

قرآن و تورات علاوه بر شرح زندگی حضرت اسماعیل • در مورد فضایل اخلاقی ایشان نیز مطالبی را بیان کرده‌اند، هرچند که قرآن در این زمینه از تورات پیشی گرفته است و این امر به خاطر آسمانی بودن و عدم تحریف قرآن کریم است. شاید نویسندگان متعصب تورات از تحریف یا حذف این فضایل بازمانده‌اند و با توجه به اینکه ایشان فضایی مانند ذبیح را تحریف کرده‌اند و یا اینکه در برخی موارد به شخصیت حضرت توهین نموده‌اند.

۷.۱. فضایل اسماعیل • در قرآن

در این بخش فقط به فضایی اشاره می‌کنیم که قرآن برای حضرت اسماعیل • در نظر گرفته است:

۷،۱،۱. بردباری؛ قرآن فقط حضرت ابراهیم و اسماعیل • را به وصف حلم ستایش کرده است: ^۱ «فَبَشِّرْهُ بِعَلْمٍ حَلِيمٍ»؛ ^۲ «پس مژده پسر بردباری به او دادیم.» و «إِنَّ إِبْرَاهِيمَ لَحَلِيمٌ أَوَّاهٌ مُنِيبٌ»؛ ^۳ «همانا ابراهیم بسیار بردبار بود و بسیار دعا و تضرع داشت و بسیار مغفرت و آموزش می‌طلبید.»

روایات فراوانی بشارت به غلام حلیم را مژده به تولد اسماعیل دانسته است. همراه شدن دو ویژگی حلم با جوانی در اسماعیل از امتیازات برجسته ایشان است.^۴

۷،۱،۲. صبر؛ آیه ۸۵ سوره انبیاء از وی با وصف صبر و شکیبایی یاد کرده است: «وَاسْمَعِيلَ وَادْرِيسَ وَذَا الْكِفْلِ كُلٌّ مِنَ الصَّابِرِينَ»؛ «(و نیز یاد آر حال) اسماعیل و ادريس و ذوالکفل را که همه بندگان صابر ما بودند.» به گفته برخی مراد از صابر بودن اسماعیل، استقامت حضرت در صحرای بی‌آب و علف و ساختن بنای کعبه است.^۵

۷،۱،۳. خشوع؛ یکی دیگر از صفات بارز حضرت صفت خشوع است که مستفاد از آیه ۱۲۷ سوره بقره است:

«وَإِذْ يَرْفَعُ إِبْرَاهِيمُ الْقَوَاعِدَ مِنَ الْبَيْتِ وَإِسْمَاعِيلُ رَبَّنَا تَقَبَّلْ مِنَّا إِنَّكَ أَنْتَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ»؛

۱. رک: آلوسی، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم، ج ۱۲، ص ۱۲۲، محمدحسین طباطبایی، المیزان، ج ۱۷، ص ۱۵۱.

۲. صافات/ ۱۰۱.

۳. هود/ ۷۵.

۴. مرکز فرهنگ و معارف قرآن، دایرةالمعارف قرآن کریم، ج ۲، ص ۲۸۶.

۵. رک: ابوعلی فضل بن حسن طبرسی، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۷، ص ۹۵-۹۴.

«(و یاد آر) وقتی که ابراهیم و اسماعیل دیوارهای خانه کعبه را برمی‌افراشتند عرض کردند: پروردگارا، (این خدمت) از ما قبول فرما، که تو شنوا و دانایی.» بعد از اینک حضرت ابراهیم و اسماعیل • ساخت بنای کعبه را به پایان می‌رسانند، این دعا را از خداوند خواستارند. این دعا، نشاندهنده تواضع ایشان است. آنها در کلام خود نگفتند خدایا چه خدمتی را از ما قبول کن، تنها گفتند: خدایا از ما قبول فرما و این نشانه تواضع در بندگی است. به عبارت دیگر معنای کلام می‌شود: «خدایا این عمل ناچیز را از ما قبول فرما!»^۱ این کثیر ذیل این آیه آورده که: «این دعا نشاندهنده اخلاص حضرت ابراهیم و اسماعیل • است.»^۲

۷,۱,۴. تسلیم در برابر فرمان خداوند

علامه طبرسی ذیل آیه ۱۰۲ سوره صافات^۳ می‌نویسد: «حضرت ابراهیم • فرمان ذبح را از همان ابتدا با فرزندش اسماعیل در میان گذاشته بود و ایشان از فرمان پروردگار بدون چون و چرا به‌صورت کامل تبعیت کردند که این نشانه تسلیم بودن ایشان در برابر حق است.»^۴

فضایی که قرآن برای حضرت بیان می‌کند زیاد است که به این موارد بسنده می‌کنیم.

۷,۲. فضایل اسماعیل • در تورات

۷,۲,۱. ازدیاد نسل اسماعیل و برکت‌دادن به ذریه او

در سفر پیدایش می‌خوانیم:

«اما در خصوص اسماعیل، تو را اجابت فرمودم. اینک او را برکت داده، بارور گردانم و او را بسیار کثیر گردانم. دوازده رئیس از وی پدید آیند و امتی عظیم از وی پدید آورم.»^۵ در تورات این جمله به هاجر گفته شده و بیانگر برکت‌دادن به ذریه اسماعیل توسط خداوند است که هم‌اکنون با مشاهده نسل پیامبر اکرم • می‌بینیم که این وعده محقق شده است. بروز این امر، و حیانی بودن و عدم تحریف این گزاره‌ها را می‌رساند؛ برخلاف

۱. رک: محمدحسین طباطبایی، المیزان، ج ۱، ص ۲۸۲.

۲. رک: اسماعیل بن عمرو بن کثیر دمشقی، تفسیر القرآن العظیم، ج ۱، ص ۳۰۲.

۳. «فَلَمَّا بَلَغَ مَعَهُ السَّعْيَ قَالَ يَبْنَؤُا اِنِّي اَرَى فِي الْمَنَامِ اَنِّي اَذْبَحُكَ فَانظُرْ مَاذَا تَرَى قَالَ يَا بَتِ اِفْعَلْ مَا تَوَمَّرُ سَتَجِدُنِي اِنْ شَاءَ اللّٰهُ مِنَ الصّٰبِرِيْنَ» «آنگاه که (آن پسر رشد یافت و) با او به سعی و عمل شتافت ابراهیم گفت: ی فرزند عزیزم، من در عالم خواب چنین می‌بینم که تو را (در راه خدا) قربانی می‌کنم، در این واقعه تو را چه نظری است؟ جواب داد: ی پدر، هرچه مأموری انجام ده که انشاءالله مرا از بندگان با صبر و شکیبا خواهی یافت.»

۴. رک: ابوعلی فضل بن حسن طبرسی، مجمع‌البیان فی تفسیرالقرآن، ج ۸، ص ۷۶.

۵. پیدایش، ۱۷: ۲۰.

بخش عمده کتاب مقدس. جمله ذیل هم که مخاطب آن حضرت ابراهیم است، مؤید همین فضیلت برای حضرت اسماعیل • است: «و از پسر کنیز امتی به وجود آوردم، زیرا که او نسل توست.»^۱

۷،۲،۲. توجه ویژه پروردگار به اسماعیل • و همراهی خدا با اسماعیل در سفر پیدایش می خوانیم:

«و خدا آواز پسر را بشنید و فرشته خدا از آسمان، هاجر را ندا کرده، وی گفت: ای هاجر تو را چه شد؟ ترسان مباش. زیرا خدا آواز پسر را در آنجایی که اوست، شنیده است. برخیز و پسر را برداشته، او را به دست خود بگیر؛ زیرا که از او امتی عظیم به وجود خواهم آورد.»^۲

و نیز در وصف ایشان آمده است که: «و خدا با آن پسر می بود و او نمو کرد، ساکن صحرا شد و در تیراندازی بزرگ گردید.»^۳

۷،۲،۳. بیان معجزه اسماعیل •. دلیل بر نبوت او در این باب، تورات اشاره ای به معجزه حضرت اسماعیل •. یعنی چاه زمزم - که دلیلی بر نبوت او است - دارد:

«خدا چشمان او را باز کرد تا چاه آبی دید، پس رفته، مشک را از آب پر کرد و پسر را نوشتانید.»^۴

در پایان این بخش باید اشاره شود که تورات در جایی به حضرت اسماعیل • توهین کرده و او را مردی وحشی خوانده است:

«فرشته نزد هاجر آمد و او را از وجود پسرش مطلع ساخت و گفت او مرد وحشی خواهد بود.»^۵ این جمله و جملاتی مانند آن، که شخصیت حضرت را زیر سؤال می برد، دلیلی بر تعصب و نژادپرستی نویسندگان تورات است.

در پایان باید گفت که تورات به جزئیات بیشتری در مورد زندگی حضرت اسماعیل • اشاره کرده است؛ مانند تاریخ تولد، ازدواج، تعداد و نام فرزندان و مدت عمر حضرت و...؛ برخلاف قرآن که کتابی سراسر هدایت است و به این جزئیات که بود و نبود آنها تأثیری در زندگی و هدایت انسان ها ندارد، اصلاً اشاره نکرده است.

۱. پیدایش، ۲۱: ۱۳.

۲. پیدایش، ۲۱: ۱۷-۱۸.

۳. پیدایش، ۲۱: ۲۰.

۴. پیدایش، ۲۱: ۱۹.

۵. پیدایش، ۱۶: ۱۲.

نتیجه

قرآن و تورات در مواردی مانند تولد اسماعیل در هنگام پیروی حضرت ابراهیم •، مهاجرت اسماعیل و هاجر به مکه با هم اشتراک دارند. اما در مورد تجدید بنای کعبه توسط اسماعیل • فقط قرآن است که به آن اشاره کرده و تورات اصلاً به این مطلب نپرداخته است.

این دو متن مقدس در مورد ذبیح، بالاترین اختلاف را با هم دارند. در داستان ذبیح، اصل داستان در هر دو کتاب وجود دارد و امتحان بودن آن و همچنین فدیة قرار دادن پروردگار به جای ذبیح وجود دارد. اما در اینکه ذبیح چه کسی است، تورات اسحاق را ذبیح می‌داند؛ ولی قرآن مستقیماً اسم ذبیح را بیان نکرده است؛ هر چند با بیان دلایلی می‌توان ذبیح بودن اسماعیل • را اثبات کرد.

در مورد فضایل حضرت نیز هر دو کتاب به فضایل جداگانه‌ای اشاره کرده‌اند و تورات در مواردی توهین‌هایی نیز دارد.

منابع

قرآن کریم.

کتاب مقدس (انجمن پخش کتب مقدسه).

۱. الباش، حسن، القرآن والتورات أين يتفقان و أين يفترقان؟ دار قتیبه، بیروت، ۱۴۲۲ق.

۲. الزغبی، فتحی محمد، نصة الذبیح عند اهل الكتاب والمسلمین، دارالبشائر الاسلامیه، بیروت، ۱۴۳۱ق.

۳. صادقی‌تهرانی، محمد، الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن، انتشارات فرهنگ اسلامی، چ‌دوم، قم، ۱۳۶۵ش.

۴. طباطبایی، سید محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه سید محمدباقر موسوی‌همدانی، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه، چ‌پنجم، قم، ۱۳۷۴ش.

۵. طبرسی، فضل‌بن حسن، مجمع‌البیان فی تفسیر القرآن، ناصر خسرو، چ‌سوم، تهران، ۱۳۷۲ش.

۶. فیروزمهر، محمدمهدی، «بررسی و مقایسه قصه اسماعیل • در قرآن و تورات».

- میقات حج، ش ۳۳، پاییز ۱۳۷۹ ش.
۷. مکارم‌شیرازی، ناصر و دیگران، تفسیر نمونه، دارالکتب الإسلامیه، چ اول، تهران، ۱۳۷۴ ش.
۸. هاکس، جیمز، قاموس کتاب مقدس، انتشارات اساطیر، چ دوم، تهران، ۱۳۸۳ ش.